

به نام یزدان پاک

نظریه انگیزش در تعلیم و تربیت



طلایی شدن را تجربه کنید...

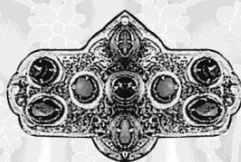
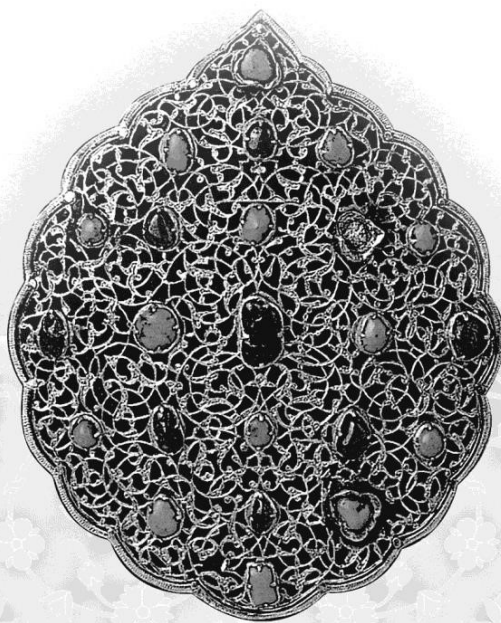
گروه طلایی Ψ کشور

سواره چون که به مقصد رسد پیاده شود

دانشجو در راه تحصیل سوارهای است که مقصد او نیل به نهایت و درک و دریافت مدارج علمی است، دکتری مقصود ما و شما در این زحمت سفر و بذل جوانی و استعداد و هنر است، ضربالمثل آغاز این اشاره از دیرباز برای تلاشگران در تمام عرصهها سرمشق بوده است، لذت و آمال و آرزوی انسان راهرو در رسیدن به مقصد واقعیت می‌یابد، زیبایی و طراوت و دریافتها و دانستهها و اوج گیری و افزایش مدارج علمی و پر متون و فنون و جزء و کل رشته موردعلاقه و استعداد شما مسلم و مسلط شدن در مقصد نهایی به دست می‌آید، گاهی چند همراه با ما ورود به مقصد را پراشتاب میسر می‌سازد، با سالها تجربه دانش و بینش علمی و فرهنگی که در مجموعه حاضر فراهم آمده است، موفقیت خود را تضمین نمایید و در مقصد پیاده شوید و یاریگر جامعه و جهان باشید

علیرضا محمدی

بهار ۹۹



فهرست مطالب

۵	■ مقدمه
۶	■ پیشگفتار
۷	■ فصل اول مقدمه
۱۳	■ فصل دوم نظریه‌ها و مدل‌های انگیزش
۶۴	■ فصل سوم نیازهای روان‌شناختی و انگیزه
۸۹	■ فصل چهارم اهداف و انگیزش
۱۰۵	■ فصل پنجم نقش مدارس و معلم در انگیزش

مقدمه

مؤسسه آموزش عالی آزاد نگاره با ۱۵ سال سابقه در زمینه برگزاری کلاس‌های کنکور روانشناسی و مشاوره تنها مرکز تخصصی آمادگی کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی و مشاوره در کشور است. این مؤسسه با بهره‌گیری از اساتید انحصاری و برتر در حوزه کنکور روانشناسی و رتبه‌های برتر سال‌های اخیر اقدام به گردآوری و تألیف جزوات و کتب کمک آموزشی در زمینه کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی و مشاوره کرده است.

تنوع و حجم زیاد منابع کنکور کارشناسی ارشد و دکتری همواره یکی از دغدغه‌های مهم دانشجویان و داوطلبان کنکور بوده است. از این رو، بر آن شدیم مجموعه‌ای کامل از جزوات آموزشی را گردآوری کنیم که برگرفته از مطالب مهم و نکات کلیدی منابع اصلی کنکور باشند. این مجموعه براساس آخرین تغییرات منابع کنکور دکتری روانشناسی بوده و با پوشش‌دهی مطالب از تمام منابع اصلی، مطالب را به صورت منسجم و طبقه‌بندی‌شده در اختیار داوطلبان قرار می‌دهد که علاوه بر صرفه‌جویی در وقت و هزینه به داوطلبان کمک می‌کند به صورت برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند پیش بروند که این امر مانع از سردرگمی آن‌ها در منابع مختلف می‌شود.

این مجموعه علاوه بر جزوات آموزشی شامل کتاب‌های تست تألیفی برای هر درس، کتاب تست کنکور دکتری سال‌های اخیر و فلش کارت‌های آموزشی است که در یادآوری و مرور مطالب کمک شایانی به داوطلبان می‌کند. این مجموعه به صورتی گردآوری شده که علاوه بر داوطلبان کنکور دکتری روانشناسی، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی نیز می‌توانند برای امتحانات کلاسی خود از آن استفاده کنند؛ همچنین داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد نیز می‌توانند از جزوات دروسی که در کنکور کارشناسی ارشد و دکتری مشترک است بهره ببرند.

این مجموعه براساس سرفصل‌های اصلی هر درس تدوین شده و بیش از ۸۰ درصد مطالب مهم و کلیدی هر درس را پوشش می‌دهد که داوطلبان را از مطالعه سایر کتب بی‌نیاز می‌کند.

مهم‌ترین تفاوت این جزوات با سایر کتب کمک آموزشی و خصوصیات برجسته آن‌ها عبارتند از:

۱. گردآوری و تألیف جزوات توسط اساتید انحصاری مؤسسه
۲. مباحث منسجم و طبقه‌بندی‌شده مطابق با سرفصل‌های منابع اصلی
۳. ارائه مطالب مطابق با آخرین تغییرات کنکور دکتری
۴. ارائه جزوات آموزشی، تست‌های تألیفی، تست‌های کنکور سال‌های اخیر و فلش کارت‌های آموزشی در یک مجموعه



آسیب‌شناسی روانی که به روانشناسی مرضی و روانشناسی ناپهنجاری نیز معروف است شاخه‌ای از روانشناسی است که به بررسی اختلالات روانی، معیارهای تشخیصی، تبیین و سبب‌شناسی، نظریه‌های مرتبط با اختلالات و رویکردهای درمانی می‌پردازد. درس آسیب‌شناسی روانی در گرایش‌های مختلف روانشناسی همواره یکی از دروس مهم محسوب می‌شود که دانشجویان و داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی همواره با آن سروکار دارند. درس آسیب‌شناسی روانی از ابتدا در کنکور مقطع دکتری روانشناسی به عنوان یکی از دروس تخصصی وجود داشته است و سؤالات این درس از منابع مختلفی طرح شده است از جمله کتاب خلاصه روانپزشکی کاپلان ترجمه رضایی، آسیب‌شناسی روانی هالجین ترجمه سیدمحمدی، آسیب‌شناسی روانی بارلو ترجمه فیروزبخت، آسیب‌شناسی روانی دکتر گنجی، روانشناسی مرضی کودک دادستان، روانشناسی بالینی کودک دکتر منصور، روانشناسی مرضی کودک ساراسون، آسیب‌شناسی روانی سلینگمن ترجمه سیدمحمدی، آسیب‌شناسی روانی باچر ترجمه سیدمحمدی و آسیب‌شناسی روانی دیویسون ترجمه دکتر دهستانی. یکی از دغدغه‌های مهم داوطلبان در این درس تعدد و پراکندگی منابعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه طراحان سؤال بوده است و امکان مطالعه همه آنها در مدت زمانی کوتاه وجود ندارد. با وجود اینکه برخی مطالب آسیب‌شناسی روانی در منابع مختلف مشترک است، اما برخی مطالب تنها در برخی کتب منبع این درس آمده است؛ از این رو برای کسب یک رتبه مطلوب نمیتوان تنها به یک یا دو منبع از این درس اکتفا کرد؛ در نتیجه بر آن شدیم با همکاری اساتید انحصاری مؤسسه و گروهی از رتبه‌های برتر کنکور سالهای اخیر یک جزوه آموزشی جامع در این درس گردآوری کنیم، به طوریکه داوطلبان تمام مطالب مهم و نکات کلیدی این درس را در یک کتاب واحد در اختیار داشته باشند که آنها را از مطالعه منابع مختلف این درس بی‌نیاز می‌کند.

کتاب حاضر به منظور آماده‌سازی داوطلبان جهت شرکت در آزمون‌های کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی تألیف و گردآوری شده است که مطالب مهم و نکات کلیدی را از منابع اصلی درس آسیب‌شناسی روانی در کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی پوشش می‌دهد. مطالب مهم و پرتکرار که در کنکور سال‌های اخیر مورد توجه طراحان سؤالات کنکور بوده است به صورت منسجم و طبقه‌بندی شده و مطابق با سرفصل‌های منابع اصلی در این جزوه آموزشی گردآوری شده است که با پوشش‌دهی بیش از ۸۰

درصد از مطالب مهم منابع اصلی مانع از سردرگمی داوطلبان در منابع حجیم و متعدد شده و آنها را از مطالعه سایر کتب کمک آموزشی و منابع اصلی بی‌نیاز می‌کند. علاوه بر داوطلبان کنکور دکتری، داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد و نیز دانشجویان روانشناسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز می‌توانند برای امتحانات کلاسی خود از کتاب حاضر بهره ببرند.



فصل اول

مقدمه

تعریف انگیزش

انگیزش فرایندی است که طی آن فعالیت هدف محور برانگیخته و حفظ می‌شود و انگیزش یک فرایند است و غیرقابل مشاهده، اما قبل از استنباط است. تعریف عام انگیزش: انگیزش دربرگیرنده اهدافی است که محرک و جهت عمل آن را فراهم می‌کند. انگیزش شامل فعالیت جسمانی مانند تلاش، پشتکار، و اعمال آشکار و فعالیت ذهنی مانند طراحی، تمرین، تکرار، سازمان‌دهی، نظارت، تصمیم‌گیری‌ها، حل مسائل و سنجش پیشرفت است.

انگیزش معمولاً به نیروهایی اطلاق می‌شود که انتخاب، ثبات، شدت و تداوم رفتار را تعیین می‌کند و در تعریف، به فرایند برانگیختن و نگهداری رفتارهای دلالت دارد که به‌سوی هدفی متوجه است (شانک، ۲۰۰۰).

واژه انگیزش، ماهیتاً جنبه عملی چندانی ندارد، ولی سؤال اصلی این است که انگیزش چگونه به وجود می‌آید و چه تأثیری دارد؟ البته نمی‌توان انگیزش یادگیرنده را در کسب موفقیت مشاهده کرد، اما می‌توان تکالیف، میزان مشارکت در کلاس درس و فعالیت‌ها و مطالعات او را دید. روان‌شناسان انگیزش را متغیر، عامل یا مفهومی فرض می‌کنند که برخی از رفتارها را تبیین می‌کند؛ باوجوداین، انگیزش دیدنی نیست و سازه‌ای فرضی تلقی می‌شود.

استنتاج انگیزه‌ها از راه مشاهده رفتار و اعمال، تا حدی مشکل است؛ مهم این است که انگیزه چه تأثیری دارد و چه می‌کند. با این وصف، معلم می‌تواند با بررسی، مشاهده و ارتباط مستقیم با فراگیران از نحوه برانگیختگی آن‌ها اطلاعاتی به دست آورد.

مفهوم انگیزش به‌طور سنتی در تبیین شدت و جهت فعالیت انسان به کار می‌رود. ممکن است انگیزش یادگیرندگان، هم از لحاظ شدت و هم از لحاظ جهت، متفاوت باشد. برای مثال، ممکن است دو فراگیر برای بازی‌های رایانه‌ای برانگیخته شوند. اما یکی از آنان نسبت به دیگری با شدت بیشتری برانگیخته شده باشد.

(گیج و برلایر، ۱۹۸۸) انگیزش را به‌موتور (شدت) و فرمان (جهت) ماشین تشبیه نموده‌اند. البته جدا کردن شدت و جهت انگیزه‌ها از یکدیگر آسان نیست.

سوءتعبیر در مورد انگیزش موجب می‌شود تا این مفهوم با حداکثر کارایی خود به کار نرود؛ برداشت نخست اینکه بعضی از یادگیرندگان برانگیخته نیستند؛ این برداشت تا زمانی که یادگیرنده اهدافی برای خود تعیین می‌کند و در دست‌یابی به آن می‌کوشد، صحیح نیست و می‌توان گفت رفتار در جهت مورد انتظار معلم نیست.

برداشت دوم اینکه تصور شود فرد می‌تواند دیگری را به‌طور مستقیم برانگیزد؛ درحالی‌که انگیزش فرایند درونی است و تنها به کمک نظریه‌های مختلف در این زمینه، شرایطی فراهم می‌شود تا رفتار یادگیرنده در جهت مورد نظر سوق یابد (ماژر و میر، ۱۹۹۷).

عوامل بسیاری در برانگیختگی فرد به یادگیری دخیل است. البته، نباید از اینکه هیچ‌یک از نظریه‌های انگیزش به‌تنهایی نمی‌توانند میزان علاقه یا بی‌علاقگی یادگیرندگان را تبیین کنند، متحیر شد.

نظریه‌های مختلف انگیزش، این موضوع را توضیح می‌دهند که چرا برخی افراد، در موقعیتی خاص در قیاس با دیگران، اشتیاق بیشتری به یادگیری دارند. علاوه بر این، هر نظریه انگیزش می‌تواند مبنای گسترش شیوه‌های مختلفی برای برانگیختن یادگیرندگان باشد (اسنومن و بیلر، ۲۰۰۰).

منشأ فلسفی مفاهیم انگیزشی

منشأ بررسی انگیزش به یونانیان باستان - سقراط، افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. افلاطون (شاگرد سقراط) معتقد بود که انگیزش از روح (یا ذهن، روان) سه جزئی که به‌صورت سلسله‌مراتبی ترتیب یافته است، ناشی می‌شود. در سطح بسیار ابتدایی، جنبه اشتهاور روح قرار دارد که به اشتها و امیال بدن مانند گرسنگی و میل جنسی کمک می‌کند. در سطح دوم جنبه رقابت‌جو قرار دارد که در معیارهای اجتماعی مانند احساس افتخار یا شرمندگی دخالت دارد. در عالی‌ترین سطح جنبه حسابگر قرار دارد که به توانایی‌های تصمیم‌گیری روح مانند عقل و انتخاب کمک می‌کند؛ در ضمن، هر جنبه عالی می‌تواند انگیزه‌های جنبه‌های پایین را تنظیم کند (مثلاً عقل می‌تواند اشتهای بدن را نیز زیر نظر بگیرد). جالب اینکه تصویری که افلاطون از انگیزش ارائه داد، پویش‌های روانی زیگموند فروید را به‌خوبی پیش‌بینی کرد؛ تقریباً می‌توانیم بگوییم که جنبه اشتهاور افلاطون با نهاد فروید، جنبه رقابت‌جو با فرامن و جنبه حسابگر با خود مطابقت دارد (اردلی، ۱۹۸۵).

ارسطو از روح سه جزئی افلاطون که به‌صورت سلسله‌مراتبی ترتیب یافته بود (اشتهاور، رقابت‌جو و حسابگر) حمایت کرد، ولی اسامی متفاوت تغذیه‌ای، احساسی و عقلانی را ترجیح داد. جنبه تغذیه‌ای بسیار تکانشی، غیرمنطقی و شبه‌حیوانی است. این جنبه به امیال بدن که برای حفاظت از زندگی ضروری هستند کمک می‌کند. جنبه احساسی نیز به بدن مربوط است، ولی لذت و درد را تنظیم می‌کند. عنصر عقلانی منحصر به انسان‌ها است، با عقاید ارتباط دارد و مشخصه اراده است. اراده به‌عنوان عالی‌ترین سطح روح عمل نموده و از قصد و انتخاب استفاده می‌کند.

صدها سال بعد، روح سه جزئی یونانی به دوگانه‌نگری^۳ کاهش یافت؛ هوس‌های بدن و قدرت استدلال ذهن. این روح دوجزئی، ماهیت سلسله‌مراتبی یونانی را حفظ کرد، به‌طوری‌که آنچه مادی، غیرمنطقی، تکانشی و زیستی بود (بدن) را از آنچه غیرمادی، منطقی، هوشمندانه و معنوی بود (ذهن) متمایز کرد. نیروی

1 - Gage, N.L & Berliner, D

2 - Maehr, M.L & Mayer, H.A

3 - dualism

محرك این بازننگری، عمدتاً بر تعهد عقلانی و دوگانگی‌های انگیزشی مانند هوس در برابر عقل، خیر در برابر شر و ماهیت حیوانی در برابر روح انسان استوار بود. برای مثال، توماس آکویناس^۱ معتقد بود که بدن تکانه‌های انگیزشی غیرمنطقی و مبتنی بر لذت را تأمین می‌کند؛ درحالی‌که ذهن انگیزه‌های منطقی و مبتنی بر اراده را فراهم می‌آورد.

در دوران پس از رنسانس، رنه دکارت فیلسوف فرانسوی، تمایز بین جنبه‌های فعال و نافع‌ال انگیزش را به این دوگانه‌نگری ذهن-بدن اضافه کرد. بدن عامل مکانیکی، شبه‌ماشین و از لحاظ انگیزشی نافع‌ال است. درحالی‌که اراده، عامل غیرعادی، معنوی و از لحاظ انگیزشی فعال است. بدن به‌عنوان هستی مادی، از نیازهای تغذیه‌ای برخوردار است که به‌صورت ماشینی از طریق حواس، بازتاب‌ها و فیزیولوژی‌اش به محیط پاسخ می‌دهد. اما در ذهن، هستی معنوی و متفکر است که از اراده هدفمند برخوردار است. ذهن می‌تواند بدن را کنترل کند؛ روح می‌تواند بر امیال بدن حاکم باشد. این تمایز بسیار مهم بود؛ زیرا برنامه کار بررسی انگیزش را برای سیصد سال بعد آماده کرد؛ آنچه برای پی بردن به انگیزه‌های نافع‌ال و واکنشی لازم بود، بررسی ماشین بدن، یعنی مطالعه فیزیولوژی بود؛ آنچه برای پی بردن به انگیزه‌های فعال و هدفمند ضرورت داشت، بررسی عقلانی اراده، یعنی مطالعه فلسفه بود.

انگیزش و یادگیری

دانش‌آموزانی که برای یادگیری موضوعی انگیزش دارند به فعالیت‌هایی که به یادگیری‌شان کمک می‌کند می‌پردازند مانند توجه دقیق به آموزش، سازمان‌دهی ذهنی محتوای آموزشی و تکرار و تمرین، یادداشت‌برداری، کمک خواستی از دیگران وقتی مطالبی را درک نمی‌کنند که این فعالیت‌ها به بهبود یادگیری منجر می‌شوند، اما دانش‌آموزان بی‌انگیزه هیچ کدام از این فعالیت‌ها را انجام نمی‌دهند.

انگیزش، نظریه و پژوهش

نظریه‌ها با توجه به پژوهش‌هایی که انجام می‌شود تأیید و یا تغییر می‌کنند نظریه‌ای از نظر شهودی صحیح به نظر می‌رسد، اما وقتی به‌صورت تجربی آزمون می‌شود صحیح نیست و نیاز به تغییر دارد و باید فرضیه آن تغییر کند.

پژوهش‌ها

۱- همبستگی

رابطه بین متغیرها را مورد آزمون قرار می‌دهند. مثال پنتریج و دی گروت روابط بین متغیرهای انگیزش، شناختی و عملکرد و تحصیلی را کشف کرد باورهای انگیزش سه عامل ۱- خودکارآمدی، ۲- اهمیت ارزش درونی، ۳- اضطراب آزمون هستند.

— راهبردهای یادگیری شامل دو عامل اند: استفاده از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی.

مزیت روش همبستگی:

۱- کمک به روشن شدن ارتباط میان متغیرها، ۲- فراهم کردن جهت برای پژوهش آزمایشی.

عیب همبستگی: نمی‌تواند علت و معلول را مشخص می‌کند.

۲- آزمایشی

روابط علت و معلول را روشن می‌کند.

عیب: ۱- محدود بودن حوزه پژوهش آزمایشی، ۲- فقط تأثیر چند متغیر محدود و اندک بررسی شود و سایر متغیرها ثابت نگه داشته می‌شود که کاری دشوار و غیرواقع‌بینانه است.

۳- پژوهش کیفی

به مطالعه عمیق می‌پردازد. توصیف رویدادها و تفسیر معانی زمانی مفید است که پژوهشگر به بررسی ساختار رویدادها علاقه‌مند است نه توزیع کلی آن‌ها یا آزمایش‌های واقعی غیرعملی و غیراخلاقی یا جایی که تمایل به جست‌وجو و یافتن پیوندهای علمی بالقوه جدید وجود دارد که توسط روش‌های آزمایشی

قابل کشف نیستند مشخصه پژوهشی کیفی عمیق و کیفیت تحلیل و تفسیر داده‌هاست. چون این روش به گردآوری دانش قابل استفاده در عمل تدریس توجه ندارد پاسخ‌های علمی در جهت حل مشکلات تدریس نمی‌توان باشد.

مزیت پژوهش کیفی: ۱- منابع غنی از داده‌ها را فراهم می‌کند که عمیق‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از روش‌های دیگر کسب کرد، ۲- باعث طرح سؤال‌های جدید و انحرافات از سؤال‌های قدیمی می‌شود.

عیب: ۱- تعداد شرکت‌کنندگان باید کم باشد. ۲- اگر پژوهشگران از یک چارچوب نظری برای تفسیر داده‌ها استفاده نکنند یافته انسجام نمی‌یابد و تفسیرش با مشکل مواجه می‌شود.

۴- پژوهش آزمایشگاهی

در آزمایشگاه در موقعیت‌های کنترل شده انجام می‌شود.

امتیازات: ۱- اعمال کنترل قابل توجه بر عوامل مزاحم مانند زنگ تلفن، صحبت با سایر افراد، پنجره‌های رو به بیرون باز، صدا، و دما و نور، ۲- در اختیار داشتن اسباب و وسایل آزمایشگاهی که در آزمایشگاه در اختیار پژوهشگر است. این کنترل در پژوهش میدانی وجود ندارد و در مدارس سروصدا و شلوغی و عوامل مختل‌کننده حواس همیشه هستند.

۵- پژوهش میدانی

با مشارکت‌کنندگانی در موقعیت‌هایی مانند مدرسه محل زندگی و کار انجام می‌شود. می‌توان نتایج را به موقعیت‌های مشابه تعمیم داد، زیرا مطالعات جایی انجام می‌شود که دانش‌آموزان هستند، اما تعمیم یافته‌های آزمایشگاهی به میدانی با درجه اطمینان پایینی انجام می‌شود.

انتخاب روش آزمایشگاهی یا میدانی بستگی به عوامل زیر دارد: ۱- هدف پژوهش، ۲- در دسترس بودن شرکت‌کنندگان، ۳- بودجه و هزینه‌ها، ۴- نحوه استفاده از نتایج. در آزمایشگاه کنترل هست، اما تعمیم‌پذیری‌ای نیست که در روش میدانی هست؛ در میدانی باید عوامل مزاحم به حداقل برسد تا نتایج به‌دست‌آمده به عوامل آزمایشی نسبت داده شود.

شاخص‌های انگیزش

۱- انتخاب تکالیف:

انتخاب تکلیف در شرایط آزادانه این شاخص به‌صورت شهودی تأیید می‌شود، اما شاخص مفیدی برای انگیزش در مدارس نیست، زیرا یا دانش‌آموزان هیچ انتخابی ندارند یا انتخاب‌های ناچیزی دارند.

۲- تلاش:

باید مستمر باشد موضوع یادگیری مهارتی تلاش شناختی. تکالیف حرکتی تلاش فیزیکی - فقط به مهارت‌ها محدود می‌شوند، زیرا وقتی مهارت افزایش می‌یابد فرد با تلاش کمتر به عملکرد بهتر می‌رسد. سالومون دریافت تلاش ذهنی دانش‌آموزان با خودکارآمدی رابطه دارد. طبق تحقیقات برای متن درسی خودکارآمدی با تلاش ذهنی و پیشرفت همبستگی مثبت، اما با تماشای تلویزیون همبستگی منفی داشت.

تماشای فیلم در یادگیری کارآمدتر اما تلاش کمتر - پیشرفت کمتر - دانش‌آموزان برانگیخته برای یادگیری صرف تلاش مستمر می‌نمایند.

۳- پشتکار:

با صرف زمان - دانش‌آموزان برانگیخته باید در انجام تکالیف پشتکار داشته باشند، به‌ویژه زمانی که با موانع و مشکلات مواجه‌اند، پشتکار بیشتر فعالیت بیشتر می‌انجامد. پشتکار مربوط به قسمت مداومت و پافشاری در تعریف انگیزش است و مهم‌ترین عامل هنگام یادگیری و برخورد با موانع است.

۴- پیشرفت:

شاخص غیرمستقیم انگیزش است، دانش‌آموزانی که تکالیفی را انتخاب می‌کنند که تلاش را افزایش می‌دهد و پشتکار دارند به سطوح بالاتری از پیشرفت دست یافته‌اند. هر چه دانش‌آموزان و کودکان مسائل بیشتری را طی آموزش حل کنند مسائل بیشتری را هنگام پس‌آزمون یا آزمون نهایی به‌درستی حل می‌کنند.

روش‌های سنجش انگیزش

۱- مشاهده مستقیم:

به نمونه رفتاری انتخاب تکلیف، اختصاص کوشش و پشتکار اطلاق می‌شود. باید مشاهده‌ها خالص و ساده و از مداخله‌های شخصی مشاهده‌گر در امان باشد و این تمرکز صرف اعمال آشکار به سطحی شدن مشاهدات منجر می‌شود و مانع رسیدن پژوهشگر به ریشه و اساس انگیزش می‌شود و این مشاهدات مستقیم فرایندهای شناختی و عاطفی زیربنایی رفتار برانگیخته را نادیده می‌گیرند. معمولاً برای اندازه‌گیری انگیزش استفاده می‌شود. مثلاً در پژوهشی طول مدت درگیری دانش‌آموزان در فعالیت هدف را به‌عنوان سنجش انگیزش مشاهده کردند.

۲- درجه‌بندی توسط دیگران:

مشاهده کردن ویژگی‌های مختلف دانش‌آموزان را که نشان‌دهنده انگیزش آن‌هاست، درجه‌بندی می‌کنند. امتیاز: ممکن است مشاهده‌گران در مورد دانش‌آموزان عینی‌تر عمل کنند تا دانش‌آموزان در مورد خودشان (خود گزارش دهی). فرایندهای انگیزش که بنیاد رفتار هستند، تعیین می‌شود و داده‌هایی به دست می‌آید که از مشاهدات مستقیم به دست نمی‌آید. بیشتر از مشاهدات مستقیم نیازمند استنباط است، چون مشاهده‌گر آنچه را دانش‌آموزان انجام می‌دهند به خاطر می‌سپارد و حافظه به‌صورت انتخابی و سازنده عمل می‌کنند. در نتیجه امکان رتبه‌بندی‌ها شاخص‌های معتبری برای ویژگی‌های دانش‌آموزان نباشند.

۳- خودگزارش دهی:

شامل قضاوت و بیانات افراد در مورد خودشان است. ابزارهایی مانند پرسشنامه‌ها، مصاحبه، یادآوری‌های برانگیخته‌شده تفکر با صدای بلند و گفت‌وگو.

پرسشنامه

نمونه آن آزمون‌های فراقکن مانند آزمون رورشاخ، آزمون اندریافت است. این آزمون‌ها پایایی پایینی دارند و انگیزه‌های ضمنی را می‌سنجند. انگیزه‌های خودآسانی با پرسشنامه بهتر سنجیده می‌شود. روش‌های فراقکن به‌صورت نیمه‌هوشیار انگیزه‌ها و تخیلاتشان را به موقعیت آزمون فراقکنی می‌کنند

مصاحبه

نوعی پرسشنامه است که مصاحبه‌گر پرسش یا نکاتی را به پاسخگو ارائه می‌دهد و او به‌صورت شاخص پاسخ می‌دهد. مصاحبه شامل بررسی عمیق احساسات و باورها است.

یادآوری برانگیخته‌شده

افراد روی تکلیفی کار می‌کنند. عملکردشان فیلمبرداری می‌شود، سپس به نوارها نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند افکارشان را در مورد نکات مختلف به یاد آورند. نوارها در زمان‌ها متفاوت متوقف و سؤال‌هایی مطرح می‌شود تا به آن‌ها به یادآوری افکارشان کمک کنند. یادآوری برانگیخته‌شده بر خاطرات پاسخگویان استوار است. اگر یاد آوردن با فاصله زمانی زیادی از فیلم‌برداری انجام شود ممکن است در یادآوری مطالب دچار مشکل شوند. مزیت این روش این است که از طریق پیوند زدن افکار به رفتارهای خاص نیازی به اعمال فشار بر آزمون‌شوندگان برای قضاوت در مورد رفتارهای معمولشان نیست.

تفکر به صدای بلند

دانش‌آموزان در حین کار روی یک تکلیف افکار اعمال و هیجان‌های خود را با صدای بلند بیان می‌کنند. لازم است دانش‌آموزان کلامی‌سازی کنند که در مدارس با این مورد آشنایی ندارند و حتی برای برخی ناپسند و یا احساس شرم کنند یا در کلامی‌سازی افکارشان مشکل داشته باشند که در این صورت باید آن‌ها را تحریک کنند.

گفت‌وگو

یعنی مکالمه بین چند نفر. این روش چند امتیاز دارد، از جمله: استفاده در تعامل‌های عملی با وجود اینکه تعامل‌های عملی نیازمند تفسیرند که ممکن است مشکلاتی در این مورد ایجاد شود.

بررسی الگوهای تعامل افراد، اجرا، تکمیل و نمره‌گذاری ابزارهای خودگزارش‌دهی آسان است، اما استنباط درباره پاسخ‌ها کار مشکلی است: نکته اساسی پایا بودن آن‌ها است. نگرانی‌هایی دیگر در مورد خودگزارش‌دهی‌ها این است که آیا دانش‌آموزان پاسخ‌هایی ارائه دادند که از لحاظ اجتماعی قابل قبول است؟ آیا با باورهایشان مطابق است — آیا مطابق با رفتار واقعی‌شان است؟ ... انتخاب ابزار خودگزارش‌دهی باید متناسب با هدف اندازه‌گیری و مسئله پژوهشی باشد.

انگیزش درونی

گرایش فطری پرداختن به تمایلات و به کار بردن توانایی‌ها در انجام این کار، جست‌وجو کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آن‌هاست. انگیزش درونی به‌طور خودانگیخته از نیازهای روان‌شناختی، کنجکاوی، و تلاش‌های فطری برای رشد، حاصل می‌شود. وقتی افراد به‌صورت درونی با انگیزه می‌شوند، به خاطر علاقه، احساس چالشی که فعالیت خاصی ایجاد می‌کند، و به خاطر لذتی که از آن می‌برند، رفتار می‌کنند. این رفتار به‌صورت خودانگیخته، و نه به دلیل وسیله‌ای (بیرونی) روی می‌دهد.

وقتی که هنگام انجام دادن فعالیتی، نیازهای روان‌شناسی فعال باشند و پرورش یابند، به‌طور خودانگیخته احساس خشنودی را در افراد ایجاد می‌کنند. انگیزش درونی از احساس شایسته بودن و خودمختار بودن در حین انجام یک فعالیت حاصل می‌شود. وقتی افراد به کارهایی مشغول می‌شوند و احساس شایستگی و خودمختاری می‌کنند، با گفتن (این کار جالب است)، (این کار تفریح است)، یا (من از انجام دادن آن لذت می‌برم) انگیزش درونی خود را ابراز می‌کنند. برای مثال، علاقه و احساس آزادی می‌توانند میل به خواندن یک کتاب را تحریک کنند، و لذت و احساس شایستگی می‌تواند باعث شود که یک نفر به خواندن یک کتاب تحریک شود.

لذت و احساس شایستگی می‌تواند باعث شود که یک نفر چندین ساعت را صرف حل کردن جدولی چالش‌انگیز کند. گاهی یک درس به‌قدری برای دانش‌آموزان و دانش‌جویان جالب و مفید است که آن‌ها بدون هیچ مشوقی، غیر از علاقه‌ای که به مطالب آن درس دارند، تلاش و کوشش لازم را برای یادگیری آن به خرج می‌دهند.

دسی و همکارانش (۱۹۸۵)

هنگامی که افراد دارای انگیزش درونی باشند خود را با کفایت و خودمختار درک می‌کنند. رفتار این افراد از درون هدایت می‌شود، این افراد به دیگران و یا به وقایع بیرونی به راحتی اجازه نمی‌دهند تا بر آن‌ها تأثیر بگذارند. رفتار برانگیخته‌شده به وسیله انگیزش درونی، صرف‌نظر از نتایج فعالیت، با کسب لذت و ارضای خاطر از آن همراه است.

مفهوم انگیزش درونی به این معنی است که در وجود هر کدام از ما پتانسیل و نیروی قوی از خودشکوفایی وجود دارد. این پتانسیل بر اساس شدت نیاز ما به پیشرفت و لذت ما از موفقیت است.

یادگیرندگان دارای انگیزش درونی به خاطر خودشان در فعالیت‌های یادگیری مشارکت می‌کنند و آن‌ها خواهان نتیجه هستند. آن‌ها به جایزه یا پاداش نیاز ندارند و از اینکه می‌دانند آنچه یاد می‌گیرند بعدها به دردشان می‌خورد، احساس رضایت می‌کنند. این افراد دوست دارند در هر کاری مهارت پیدا کنند و بر این باورند که رسیدن به این مهارت تحت کنترل آن‌هاست. این کار ممکن است بیانگر علایق شخصی یا یک چالش جدید باشد. مطالعات نشان می‌دهد که انگیزش تحصیلی درونی با پیشرفت و موفقیت تحصیلی و نیز درک یادگیرندگان از توانایی آموزشی‌شان رابطه مثبت دارد، و با اضطراب تحصیلی رابطه معکوس دارد.

فصل دوم

نظریه‌ها و مدل‌های انگیزش

یادگیرندگان با انگیزه به راحتی شناخته می شوند. آنان به یادگیری اشتیاق داشته، علاقه مند، کنجکاو و سخت کوش و جدی هستند. این افراد به راحتی موانع و مشکلات را از مقابل پای خود برمی دارند، زمان بیشتری را برای مطالعه و انجام دادن تکالیف مدرسه صرف می کنند. مطالب بیشتری می آموزند و علاقه مند به ادامه دادن تحصیلات خود هستند (اسکینر و بلمونت^۱، ۱۹۹۳). در مورد انگیزش، نظریه های مختلفی وجود دارد. بعضی از آن ها متعلق به گذشته است و تعدادی از آن ها به دوره خاصی مربوط هستند. در نظریه های گذشته، توجه به نیازها و برطرف نمودن آن ها در درجه اول اهمیت قرار دارد؛ برای مثال، نظریه سائق^۲ بر کسب لذت و پرهیز از درد تأکید دارد و شامل نظریه کاهش تنش^۳ و نظریه غریزه^۴ می شود. مطابق نظریه کاهش تنش، نیازهای زیستی درون موجود زنده موجب تنش می شوند و فرد با ارضای این نیازها، درصدد کاهش آن برمی آید. گرسنگی و تشنگی تنش زا است؛ اما می توان آن ها را با خوردن و آشامیدن کاهش داد. در نظریه کاهش تنش، موجود زنده در جستجوی تعادل است و در نتیجه ارضای نیازها یا کاهش تنش (تعادل)، کسب لذت می کند. بعضی از نظریه های انگیزش بر تلاش انسان در دستیابی به خودبستگی^۵ تأکید دارند. بر این اساس، افراد در جستجوی رشد و به منصه ظهور رساندن توانایی های خویش هستند؛ حتی به بهای افزایش تنش.

در نظریه های شناختی، انسان در پی درک و پیش بینی رویدادها است و به جای جستجوی لذت یا احساس خودبستگی، نیاز به ثبات و دانستن دارد؛ حتی، به بهای درد یا ناراحتی. بنابراین، گاهی رویدادی ناخوشایند برای فرد پیش بینی شده و توالی رخدادها برای او مشخص باشد (پروین و جان، ۲۰۰۱). در سال های اخیر، نظریه های «هدف»^۶ مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه ها، انسان را موجودی فعال و برانگیخته در دست یابی به اهداف پیش بینی شده به حساب می آورند. در اینجا به نظریه هایی اشاره می شود که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

• نظریه های رفتاری انگیزش

انگیزش را نرخ فراوانی وقوع یا شکل رفتار (پاسخ) می داند. انگیزش توسط نرخ یا احتمال رفتار تعریف می شود بالا رفتن احتمال وقوع پاسخ به محرک در آینده و تابعی است از اینکه تا چه حد پاسخ با محرک همراه می شود یا وقوع آن چه چیزی را به دنبال خواهد داشت و پیامدهای تقویت کننده احتمال وقوع را افزایش و پیامدهای تنبیه کننده احتمال را کاهش می دهد. پیروان رویکرد رفتارگرایی - انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می دانند. این برداشت از انگیزش بر اندیشه اصلی رفتارگرایان استوار است که می گویند پیامدهای اعمال و رفتارها، هدایت کننده و کنترل کننده آن ها هستند. به گفته لفرانسو: لذت جویی روان شناختی (اصل لذت/ درد) خلاصه آسانی از اساسی ترین اصل انگیزش رفتارگرایی است. در رویکرد رفتارگرایی انگیزش، مشوق ها، منبع انگیزشی دانش آموزان و دانشجویان به حساب می آیند. سرسخت ترین حامی رفتارگرایی واتسون بود. برای روان شناس رفتار پدیده ای قابل مشاهده است انگیزش در قالب رفتارهای قابل مشاهده است درون کاوی با حالت های ذهنی سروکار دارد که قابل مشاهده نبود و ممکن است ریشه در واقعیت نداشته باشند بنابراین عملی نباشد - رفتارگراها لازم نیست تبیین های انگیزشی، افکار و احساسات را در برگردان زیرا افراد توسط رویدادهای محیطی برانگیخته می شوند.

• نظریه های شناختی انگیزش:

بر نقش علی ساختارهای ذهنی، پردازش اطلاعات و باورها تأکید دارند انگیزش درونی است آن را مستقیم مشاهده نمی کنیم، بلکه نتایجش را می بینیم. بر فرایندهایی مانند اسناد ادراک شایستگی، ارزش، عواطف، اهداف و تقابل های اجتماعی تأکید دارند. نظریه رفتاری مضمون معلمان باید محیط را طوری فراهم کنند که دانش آموزان بتواند به صورتی مناسب به محرک ها پاسخ دهند. نظریه های شناختی معلمان توجه داشته باشند که چگونه فرایندهای ذهنی خود را در کلاس نشان می دهند و چگونگی فرایندهای آموزشی و اجتماعی بر اعمال و افکار دانش آموزان تأثیر دارد. در رویکرد شناختی انگیزش، باور بر این است که اندیشه های فرد سرچشمه انگیزش او هستند. شناخت گرایان معتقدند که رفتارها توسط هدف ها، نقشه ها، نظارت و نسبت دادن به فرد ایجاد و هدایت می شوند؛ و لذا انگیزش درونی بیشتر از انگیزش بیرونی مورد تأکید انسان است. انگیزش بیرونی از پاداش بیرونی سرچشمه می گیرد، درحالی که منشأ پاداش و انگیزش درونی در کاری که انجام می گیرد نهفته است. یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم انگیزش در رویکرد شناختی انگیزش شایستگی است.

نکته: در انگیزش شایستگی، مردم کارها را از آن جهت انجام نمی دهند که نیازهای زیستی شان را ارضا کنند، بلکه به این سبب به سلسله کارهایی دست می زنند که برای تعامل مؤثر با محیط دارای انگیزش درونی هستند

- 1 - Belemont, M.J
- 2 - Drive Theory
- 3 - Tension reduction theory
- 4 - Instinct theory
- 5 - Self- sufficiency
- 6 - Goal theory

• نظریه اراده و خواست

اراده منعکس‌کننده یک میل، خواسته یا هدف شخصی و اراده عمل استفاده از خواست مثال: درخت، ویلهلم وونت معتقد بود درون‌کاوی اراده عامل محوری و مستقل در رفتار به ما کمک می‌کند تا افکار و احساساتمان را عملی کنیم. جیمز معتقد است اراده فرایند تبدیل نیت‌ها به اعمال هستند (میل به انجام عمل خاص که در توان ماست). مثال اراده در بیدار شدن در یک صبح سرد نقش اندکی دارد، زیرا بازنمایی ذهنی از یک عمل آن فعالیت را برمی‌انگیزاند. وقتی نیت‌های متفاوتی برای یک عمل با هم رقابت می‌کنند اراده اثر بیشتری دارند. در روش درون‌کاوی وونت افراد تجربیات فوری خود را پس از مواجهه با اشیاء یا رویدادها گزارش می‌کنند، مثال درخت نظر اش اراده فرایندی است که با اجرای اعمالی سروکار دارد که برای تحقق اهداف طراحی می‌شود.

این فرایندها گرایش‌های تعیین‌کننده دارند. اراده دیدگاه ناقصی در مورد انگیزش ارائه می‌دهد، زیرا این تمایل محدود به اجرای اعمالی است که برای رسیدن به هدف مطرح شده بودند، اما چگونگی تدوین اهداف به‌وسیله انسان‌ها مورد غفلت قرار گرفته بود.

دکارت با واگذار کردن نیروی انحصاری انگیزش به اراده، اولین نظریه بزرگ را برای انگیزش تأمین کرد. از نظر دکارت، عالی‌ترین نیروی انگیزشی اراده^۱ بود. اراده، عمل را آغاز و هدایت می‌کند و تصمیم می‌گیرد که آیا عمل کند و وقتی عمل می‌کند، چه کاری انجام دهد. نیازها، هوس‌ها، لذت‌ها و دردهای بدن تکانه‌هایی را برای عمل کردن ایجاد می‌کنند، ولی این تکانه‌ها فقط اراده را تحریک می‌کنند.

اراده قدرت ذهن است که با به کار بردن نیروی تصمیم‌گیری خود، امیال و هوس‌های بدن را به خاطر فضیلت و رستگاری، کنترل می‌کند.

فیلسوفان نه به ماهیت اراده پی بردند و نه به قوانینی که اراده طبق آن‌ها عمل می‌کند. روان‌شناسان امروزی قبول دارند که ذهن (اراده) فکر می‌کند، برنامه‌ریزی می‌کند و قصدهای قبل از عمل را تشکیل می‌دهد.

سؤال اینجاست که به‌طور مثال چگونه کودکان برای به‌تعویق انداختن خوشنودی و مقاومت در برابر وسوسه، نیروی اراده خود را فرامی‌خوانند. در یک آزمایش، کودک پیش‌دبستانی، تنها پشت میزی می‌نشیند که شیرینی وسوسه‌انگیزی پیش روی اوست. آزمایشگر به این کودک دو حق انتخاب می‌دهد:

یک شیرینی حالا یا دو شیرینی اگر بتواند ۲۰ دقیقه منتظر بماند. این پژوهشگران به‌جای اینکه به نیروی اراده کودکان اشاره‌ای نکنند، دریافتند که آن‌ها با تبدیل کردن انتظار ناکام‌کننده به چیزی قابل تحمل‌تر یا لذت‌بخش‌تر، یعنی بازی کردن، آواز خواندن یا حتی چرت زدن، توانستند در برابر وسوسه مقاومت کنند و خوشنودی را به تعویق اندازند. کودکانی که از این راهبرد استفاده کردند در برابر وسوسه مقاومت نمودند، درحالی که کودکانی که از این‌گونه راهبردها استفاده نکردند عمل کردند؛ یعنی، شیرینی موجود را خوردند.

در نمونه دوم، دانشجویان امتحانی را دادند که پژوهشگران سعی داشتند پیش‌بینی کنند که آن‌ها تا چه اندازه‌ای خوب یا بد عمل خواهند کرد (لاک و کریستف، ۱۹۹۶). این پژوهشگران، هدف (نمره مطلوب) و روش‌های مطالعه هر دانشجو را یادداشت کردند.

دانشجویانی که برنامه‌های روشن و روش‌های مطالعه کارآمد داشتند، خوب عمل کردند، درحالی که دانشجویانی که هدف نداشتند و روش‌های مطالعه آن‌ها سطحی بود بد عمل کردند. بنابراین، هدف‌ها و راهبردها، نه نیروی اراده، عملکرد مؤثر را به بار آوردند. بنابراین، پژوهشگران در بررسی امروزی انگیزش، مانند «نیروی اراده» را کنار می‌گذارند و به‌جای آن فرایندهای روان‌شناختی را که راحت‌تر به رفتار افراد ربط داشته باشند، مشخص می‌کنند. یعنی، پژوهش‌گران به‌جای اراده اسرارآمیز، فرایندهای ذهنی قابل ارزیابی، مانند برنامه‌ها، هدف‌ها و راهبردها را بررسی می‌کنند (گلویتزر و بارف، ۱۹۹۶).

• گزینه: دومین نظریه بزرگ تاریخی انگیزش

جبرگرایی زیستی داروین مهم‌ترین مفهوم، یعنی تکامل را برای زیست‌شناسی به ارمغان آورد. جبرگرایی زیستی، توجه دانشمندان را از مفاهیم انگیزشی ذهنی، مانند اراده، دور کرد و به سمت مفاهیم ماشینی و ژنتیکی معطوف نمود. جبرگرایی زیستی داروین به دوگانه‌نگری انسان یا حیوان که بر بررسی اولیه انگیزش حاکم بود، خاتمه داد و به‌جای آن سؤال‌هایی از این قبیل را مطرح کرد: چگونه حیوانات از امکانات خودشان (یعنی انگیزش) برای سازگار شدن با ضروریات محیط استفاده می‌کنند؟ از نظر فیلسوفان پیشین، اراده نیروی ذهنی منحصر به انسان بود و متمایز کردن انگیزش انسان‌ها از انگیزش حیوانات، دلیلی دیگر بر کنار گذاشتن اراده به‌عنوان توجیه رفتار باانگیزه بود. از نظر داروین، بیشتر رفتارهای حیوانات ناموخته، خودکار و ماشینی به نظر می‌رسید (داروین، ۱۸۷۲، ۱۸۹۵). حیوانات به کمک تجربه یا بدون آن، با محیط خود سازگار می‌شدند، پرندگان لانه می‌ساختند، مرغ‌ها روی تخم می‌نشستند، سگ‌ها خرگوش‌ها را تعقیب می‌کردند و خرگوش‌ها از سگ‌ها می‌گریختند.

داروین برای توجیه کردن این رفتار سازگارانۀ ظاهراً از پیش برنامه‌ریزی‌شده، گزینه^۲ را مطرح کرد. دستاورد داروین این بود که مفهوم انگیزشی او توانست چیزی را توجیه کند که اراده فیلسوفان قادر به توجیه آن نبود. یعنی، نیروی انگیزشی از ابتدا از کجا می‌آید. گرایش از جسم مادی، از استعداد ژنتیکی ناشی می‌شوند. گرایش